

چگونگی اجرای مرحله عملی امر به معروف و نهی از منکر

زهرا سادات رائی ورعی^۱

سید جواد ورعی^۲

چکیده

هدف از این تحقیق روشن شدن چگونگی اجرای مرحله انکار یدی در فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. بر اساس نظر اکثر فقیهان، مرحله یدی به معنای برخورد عملی در راستای تحقق معروف و جلوگیری از منکر است. مرحله یدی به سه صورت قابلیت اجرا دارد. اول به صورت فردی و همگانی؛ دوم به صورت گروهی و سازمان یافته، البته مردمی؛ و سوم به وسیله حکومت و نهادهای حاکمیتی. یافته این پژوهش آن است که اجرای این مرحله در جامعه‌ای که حکومت اسلامی در رأس آن قرار دارد، بر عهده حکومت است که در چارچوب قانون و به وسیله کارگزاران خود یا با تأسیس نهادی به اجرای آن مبادرت ورزد. اگر حکومت مرحله یدی را در چارچوب قانون اجرا کند، نه تنها از عوارض روش‌های دیگر مانند: هرج و مرج و اختلال نظام در امان خواهد بود، بلکه این دو فریضه به گونه صحیح در جامعه اعمال می‌شود. افزون بر آن، افراد و گروه‌های مشخص و شناخته شده و آموزش دیده نیز می‌توانند با اخذ مجوز از حکومت در این امر یاری‌گر حکومت باشند. در یک جمله، انجام مرتبه عملی این فریضه در جامعه اسلامی از اختیارات حکومت است تا با برنامه ریزی صحیح هدف از تشریح این فریضه را برآورده سازد. این مسئله هر چند جسته و گریخته در آثاری مطرح شده، اما در این مقاله برای بحث تمرکز نموده و دیدگاه‌های مختلف همراه با مستندات هر کدام را بررسی کرده و در پایان راه‌حل‌هایی در رفع تعارض ظاهری میان دلایل نقلی مورد بحث قرار داده‌ایم.

واژگان کلیدی: امر به معروف، نهی از منکر، مرحله یدی، حکومت اسلامی.

۱. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی پردیس فارابی دانشگاه تهران.

۲. سطح چهار حوزه، دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

مقدمه

مرحله یدی بین مراحل امر به معروف و نهی از منکر بعد از مراتب قلبی و زبانی در مرتبه سوم قرار دارد. درباره معنای مرحله یدی چند احتمال وجود دارد:

اول، مانع شدن دیگری از انجام منکر، به گونه‌ای که بدون به کارگیری خشونت فیزیکی، دیگری قدرت بر انجام معصیت پیدا نکند؛
دوم، با «زور و خشونت بدنی» دیگری را از انجام منکر بازداشتن؛
سوم، شخص مکلف با تمرین و ممارست به انجام معروف و ترک منکر عادت کند و بدون نیاز به دخالت دیگری عامل به معروف و تارک منکر باشد و با رفتار خود الگوی دیگران شود.

هر چند برخی از فقیهان در تفسیر مرتبه یدی امر به معروف و نهی از منکر به معنای سوم نظر داشته و آن را مطرح کرده‌اند، اما از مثال‌های فقهی در کلمات غالب فقیهان بر می‌آید که از مرتبه یدی امر به معروف و نهی از منکر همان معنای دوم، یعنی به کارگیری زور، اجبار و برخورد فیزیکی با تارک معروف و عامل منکر را اراده کرده‌اند. در این مقاله نیز با مفروض دانستن همین معنا به بحث در باره چگونگی اجرای آن پرداخته‌ایم.

از بررسی آیات و روایات در زمینه امر به معروف و نهی از منکر، هم‌چنین عبارات فقهی بر می‌آید که مرتبه یدی این فریضه می‌تواند در سه ساحت متفاوت انجام شود:

اول، به صورت عمومی و فراگیر یعنی هر کس به مقدار قدرت و توانایی خود تارکان معروف و عاملان منکر را به زور و اجبار و اعمال خشونت به انجام معروف و ترک منکر وادار نماید.

دوم، گروه‌های سازمان‌یافته اقدام به انجام این مرتبه از فریضه امر به معروف و نهی از منکر نمایند.

سوم، حکومت عهده‌دار مرتبه یدی این فریضه باشد و توسط مأموران این وظیفه را انجام دهد.

آنان که امر و نهی را وظیفه‌ای همگانی می‌دانند، آن را واجب عینی شمرده‌اند و آنان که قائل به اختصاصی بودن وظیفه امر به معروف و نهی از منکرند، و آن را وظیفه گروه‌های سازمان یافته یا حکومت می‌دانند، واجب کفایی می‌شمارند. برخی از فقیهان در بعضی از حالات واجب عینی و در برخی دیگر واجب کفایی دانسته‌اند. از دیدگاه محقق نجفی، صاحب جواهر هر چند انکار قلبی و زبانی واجب عینی، دانسته، اما انکار یدی را یقیناً واجب کفایی دانسته است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۳۶۲).

اهمیت بررسی این موضوع که مرحله یدی امر به معروف و نهی از منکر بر عهده افراد است یا گروه‌ها یا حکومت، از آن روست که این مرحله نیازمند اعمال زور و در صورت لزوم خشونت، و اجبار و تحمیل است و عوارض منفی مثل هرج و مرج، بی‌نظمی، و اختلال در نظام اجتماعی در پی دارد؛ و گرنه در دو مرتبه قلبی و زبانی که چنین پیامدهایی وجود ندارد یا در برخی از موارد نادر عوارضی دارد، اختلاف جدی وجود ندارد و چندان دارای اهمیت نیست تا با حساسیت به دنبال. مثلاً. نفی این تکلیف از افراد و گروه‌ها بوده و تنها وظیفه حکومت شمرده شود. تمرکز مقاله بر این که این مرتبه از امر به معروف و نهی از منکر بر عهده افراد است یا گروه‌ها یا حکومت، به دلیل اهمیت مسئله و نتایجی است که بر آن مترتب می‌شود. ضمن نقل دیدگاه‌های گوناگون و دلایل هر کدام، به بررسی موضوع می‌پردازیم.

بنابراین پرسش اصلی مقاله آن است که مرتبه یدی (عملی) امر به معروف و نهی از منکر به معنای اعمال زور، اجبار و در صورت لزوم خشونت بر عهده آحاد جامعه است، یا گروه‌های سازمان یافته مردمی، یا حکومت است؟ فرضیه نویسندگان آن است که این تکلیف در زمان استقرار حکومت اسلامی بر عهده حکومت است تا با سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و برنامه‌ریزی دقیق، نهادها و سازمان‌های مشخصی را با آموزش‌های لازم برای این منظور در نظر بگیرد تا ضمن کنترل عوارض و پیامدهای احتمالی امر و نهی عملی که در چارچوب قانون از سوی نهادهای قانونی تعریف شده صورت می‌گیرد، از برخوردهای غیرقانونی، سلیقه‌ای، فردی و گروهی شهروندان با یکدیگر جلوگیری کند و هدف از فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر که در قالب مراتب مختلف قلبی، زبانی و عملی تشریح شده، برآورده شود.

در پایان نیز به این پرسش فرعی که «چگونه می‌توان تعارض ظاهری میان دلایل نقلی را در این زمینه برطرف نمود؟» پرداخته و دیدگاه‌های مختلف را بررسی خواهیم کرد.

اینک به نقل و نقد و بررسی نظریات مختلف که هر کدام روشی را برای اجرای مرتبه یدی امر به معروف و نهی از منکر پیشنهاد کرده‌اند، و دلایل و مستندات آن می‌پردازیم.

دیدگاه یکم، وظیفه همگانی (فردی)

برخی از تکالیف مثل نماز و روزه و حج، وظیفه‌ای همگانی و برعهده یکایک مکلفان است. برخی از مراتب امر به معروف و نهی از منکر چنین است، امر و نهی به صورت فردی و بدون وجود تشکیلات صورت می‌گیرد. پیامبر اکرم (ص)، امام علی (ع) و یا نمایندگان آنان در صدر اسلام با گشت زدن در بازار و اجتماع، مردم را به احسان و نیکی امر و از زشتی نهی می‌کردند (رضایی راد، ۱۳۸۴، ص ۴۸). این مرتبه از امر و نهی بر تک تک افراد واجب است که آن را انجام دهند و از این جهت می‌توان گفت که وظیفه ای عمومی و همگانی برای مردم است. کسانی که امر و نهی را حتی در مرتبه علمی آن واجب عینی می‌دانند، این دیدگاه را برگزیده‌اند. طبق این دیدگاه، بر هر فرد واجب است که هنگام روبرو شدن با منکر، در صورت عدم تأثیرگذاری مرحله قلبی و زبانی سراغ مرتبه یدی رفته و آن را اعمال کند.

تعدادی از فقیهان وجوب این فریضه را عینی دانسته‌اند. مثلاً شیخ طوسی ضمن بیان اینکه اکثریت اهل تفسیر معتقدند امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی است، خود آن را واجب عینی می‌داند (طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۵۴۸). تعدادی از فقیهان هم وجوب آن را کفایی دانسته‌اند. (مفید، ۱۴۱۳، ص ۱۱۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۱، ص ۹۰) واجب عینی و کفایی در چگونگی تعلقشان با یکدیگر متفاوت اند، اما در خصوص فریضه امر به معروف و نهی از منکر، وقتی عده‌ای مورد امر و نهی قرار گرفته، و وادار به ترک منکر شدند، دیگر موضوع منتفی می‌شود، از این رو، فرقی بین واجب کفایی و عینی وجود ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۵، ص ۲۶۰). محقق در شرایع نیز امر به معروف و نهی از

منکر را واجب عینی می‌داند (محقق حلی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، ص ۳۱۰).

به نظر می‌رسد همان‌گونه که محقق عراقی نوشته این نزاع صغروی باشد. (عراقی، ج ۴، ص ۴۴۷) زیرا امر به معروف و نهی از منکر مانند نماز و روزه و حج نیست که بر هر مکلفی عیناً واجب باشد، به گونه ای که انجام آن توسط دیگران تکلیف را از مکلف ساقط نکند، بلکه با امر و نهی یک نفر و حصول نتیجه یعنی انجام معروف و ترک منکر، موضوع منتفی می‌شود و موردی برای امر و نهی باقی نمی‌ماند. تنها در صورتی که امر و نهی یک نفر نتیجه نداد، برای دیگران امر و نهی واجب خواهد بود. البته ممکن است پاره‌ای از منکرات را تصور کرد که بدون اقدام همگانی و اعتراض جمعی امکان جلوگیری از منکر نباشد، مثل جلوگیری از منکر بزرگی که حکومتی مرتکب شود و بدون اعتراض همگانی حاضر به ترک آن نباشد. در چنین مواردی تکلیف نهی از منکر همگانی بوده و نمی‌توان آن را کفایی دانست. به هر تقدیر درک مقصود آنان که این فریضه را واجب عینی دانسته‌اند، نیازمند توضیح است تا معلوم شود تعریف اصطلاحی واجب عینی بر آن صادق نیست.

گفتنی است که افزون بر دو دیدگاه فوق، برخی از فقیهان در مسئله تفصیل داده و برخی از مراتب امر به معروف و نهی از منکر مثل مرتبه قلب را واجب عینی و بقیه مراتب آن را کفایی دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص ۳۶۲).

۱-۱-دلائل

۱-۱-۱-آیات

آیه اول

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ...؛ مردان و زنان باایمان، ولیّ یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از منکر می‌کنند؛...» (توبه، ۷۱)

در این آیه به صراحت امر به معروف و نهی از منکر به عنوان نوعی ولایت خاص است

که مؤمن می‌تواند به فرد دیگری که مرتکب گناهی شده است امر و نهی کند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۹، ص ۳۳۸). برخی از مفسران و فقیهان نیز این آیه را از دلایل وجوب عینی امر به معروف و نهی از منکر دانسته‌اند (طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۲۵۸؛ طبرسی، بی تا، ج ۵، ص ۷۶).

اما به نظر می‌رسد این آیه ناظر به عینی یا کفایی بودن این فریضه نباشد. اینکه مؤمنان بر یکدیگر ولایت دارند، منافاتی با کفایی بودن فریضه امر به معروف و نهی از منکر ندارد. اما این نکته از آیه استفاده می‌شود که این فریضه تکلیفی همگانی است و بر یکایک مکلفان واجب است، هر چند اگر عده‌ای بدان قیام کردند و اثر گذاشت، از دیگران ساقط می‌شود. اما قبل از قیام عده ای به انجام آن، بر عهده همگان است. این مفاد در مورد همه واجبات کفایی صدق می‌کند.

آیه دوم

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ... شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده‌اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید...» (آل عمران، ۱۱۰)

این آیه امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان یک وظیفه عمومی و همگانی ذکر می‌کند. خطاب در این آیه به مومنین است و این خود قرینه بر این است که مراد از کلمه «ناس» عموم مردم هستند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۳۷۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۴۸). در این آیه امت اسلامی به دلیل تقید به امر و نهی به عنوان بهترین امت‌ها شناخته شده‌اند. معلوم می‌شود در امت‌های پیشین نیز فریضه امر به معروف و نهی از منکر بوده اما به آن عمل نمی‌کردند. امت اسلامی هم اگر این فریضه را ترک کند بهترین امت‌ها نخواهد بود؛ زیرا ملاک این برتری پای بندی به فریضه امر به معروف و نهی از منکر است (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۲۱۹).

به نظر نمی‌رسد از این آیه نیز وجوب عینی امر به معروف و نهی از منکر استفاده

شود، زیرا منافاتی ندارد که تکلیفی متوجه همگان باشد، اما در مقام عمل عده‌ای که مثلا صلاحیت و شرایط انجام آن را دارند، عهده‌دار انجام آن گردند (همان، ص ۲۱۸).

آیه سوم

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ باید از میان شما طایفه‌ای باشند که مردم را به سوی خیر دعوت نموده، امر به معروف و نهی از منکر کنند. و این طایفه همانا رستگارانند.» (آل عمران، ۱۰۴)

این آیه بین دو آیه‌ای قرار گرفته که درباره اتحاد و یکپارچگی است. ۱. از این رو می‌توان دریافت نظامی که در آن وحدت وجود نداشته باشد و تفرقه حاکم باشد، عملا قدرت دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر نیست و یا این که چنین دعوت‌هایی اثرگذار نمی‌باشد (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۷۷). در این آیه در کنار امر به معروف و نهی از منکر دعوت به خیر ذکر شده است. این دو، مجزا از یکدیگرند. دعوت به خیر دامنه گسترده‌تری از امر به معروف و نهی از منکر دارد و ارشاد است، اما امر به معروف و نهی از منکر فرمان است و انجام آن دشوارتر از دعوت به خیر می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۵، ۲۶۳). خدای سبحان نخست دعوت به خیر را ذکر فرموده، زیرا در بین همه تکالیف، تکلیفی عام و همگانی است، ولی امر به معروف و نهی از منکر را چون تکلیف خاصی است، در مرتبه دوم ذکر کرده است (طبرسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۶۴).

شیخ طوسی درباره معنای «امت» پنج مصداق ذکر کرده است: «و الأمة فی اللغة تقسم خمسة أقسام: أحدها، الجماعة. و الثانی، القامة. و الثالث، الاستقامة. و الرابع، النعمة و الخامس، القدوة» (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۴۹) اول، جماعت و مردم، دوم، افرادی که قیام به امری می‌کنند، سوم، استقامت، چهارم، نعمت و پنجم، پیشوا. البته هیچ کدام از این معانی دلیل بر حصر نیست و معانی دیگری نیز برای آنان قابل تصور

۱. «وَ اغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (۱۰۳) «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اختلفوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (۱۰۵)

است. آن چه که منظور این بزرگواران است این است که کلمه «امت» از «آم» به معنای قصد و آهنگ می باشد. مطابق آیه قبل، وقتی گروهی قصدشان اعتصام می شود، به این ها «امت» می گویند و حال که امت شدند، طبق این آیه باید دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر نمایند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۵، ص ۲۵۲).

مورد بحث «من» در عبارت «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» است. طرفداران این دیدگاه معتقدند که «من» تبیینی است. «إِنَّ» «من» للتبیین بمعنی و کونوا أُمَّةٌ یأْمُرُونَ کقوله: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۹۴).

چهارم- آیات دیگر

در آیات متعددی از قرآن کریم امر به معروف و نهی از منکر به صورت فردی آمده است. مانند آیه ۱۷ سوره لقمان که جناب لقمان به پسرش سفارش می کند: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَآمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» و آیه دیگر لزوم محافظت خود و خانواده از آتش را بیان می کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ». طبق این آیه نگهداری خویشتن به ترك معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش است و نگهداری خانواده به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر می باشد. در این آیات و آیات مشابه آن، امر به معروف و نهی از منکر در کنار اعمال فردی مثل نماز خواندن قرار گرفته است و خطاب در آن ها یکی است. پس می توان آن را نشانه ای بر همگانی و فردی بودن امر به معروف و نهی از منکر دانست.

۱-۱-۲-روایات

از این روایات و روایات مشابه آن این گونه فهمیده می شود که تک تک افراد باید وظیفه امر و نهی را انجام دهند و مختص گروه خاصی نمی باشد.

قال رَسُولُ اللَّهِ (ص): «لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ، وَتَنْهَيْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، أَوْ لَيُعَذَّبَنَّكُمْ عَذَابُ اللَّهِ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۳۵)؛ یا امر به معروف و نهی از منکر می کنید یا عذاب خدا همه شما را در بر می گیرد.»

قال رَسُولُ اللَّهِ (ص): «مُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَإِنْ لَمْ تَعْمَلُوا بِهِ كُفَّهِ، وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَإِنْ لَمْ تَنْتَهُوا عَنْهُ كُفَّهِ (همان، ص ۱۵۱)؛ به خوبی ها فرمان دهید، هرچند خودتان به همه آن ها عمل نکنید و از زشتی ها باز دارید، هر چند خود از همه آن ها خودداری نورزید.»

۱-۲- بررسی نقاط قوت و ضعف

برای وظیفه همگانی امر به معروف و نهی از منکر در کنار امتیازاتی که دارد، نقاط ضعفی نیز شمرده شده، سه مورد نخست امتیاز و مورد چهارم نقطه ضعف این روش است که به شرح، نقد و بررسی آن ها می پردازیم تا معلوم شود کدامیک نقطه قوت و کدامیک نقطه ضعف این روش است؟

تناسب با سیاق اکثر ادله لفظی

سیاق ادله گواه آن است که مخاطب ادله امر به معروف تمامی افراد جامعه اسلامی است و اهمیت آن به گونه ای است که در صورت ترک این فریضه و رواج منکرات در جامعه یکایک افراد پاسخگو هستند. از این رو، می توان یکی از نقاط قوت روش فردی را تناسب آن با سیاق ادله، اعم از آیات و روایات؛ هم چنین ظاهر عبارات بسیاری از فقیهان دانست (رضایی راد، ۱۳۸۴، صص ۵۷-۵۸).

پیشتر در باره این برداشت از آیات و روایات گفتیم که عمومی بودن خطاب آیات و روایات و شمول آنها نسبت به همه افراد جامعه، تلازمی با فردی و همگانی بودن اجرای امر به معروف و نهی از منکر ندارد. برخی از خطابات شرعی به عموم مردم تعلق گرفته، اما می توان انجام آن تکلیف را به گروهی که واجد صلاحیت و شرایط لازم اند، سپرد. بنابراین دشوار است که بتوان تناسب با سیاق ادله لفظی را نقطه قوت این روش بشمار آورد.

تاثیرگذاری سریع

یکی دیگر از نقاط قوت این روش این است که وقتی هر فرد در جامعه به طور مستقل امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، امر و نهی او بی‌نیاز از طی مراحل قضایی و اداری است (همان، ص ۵۹). طی شدن راهکار قانونی به منظور جلوگیری از منکرات اجتماعی زمان‌بر است، در حالی که تاثیرگذاری این روش نسبت به روش‌های دیگر به مراتب سریع‌تر می‌باشد.

همگانی بودن

در روش فردی یک‌یک افراد جامعه نسبت به سرنوشت جامعه و رواج نیکی‌ها و پاک شدن جامعه از زشتی‌ها و آلودگی‌ها احساس مسئولیت می‌کنند. در این روش هر فرد جامعه یک نیروی نگهبان است و در پرتو آن نظارتی عمومی در جامعه به وجود می‌آید (ر.ک: همان، ص ۶۰).

بی‌نظمی و اختلال نظام اجتماعی

در روش فردی امر به معروف و نهی از منکر، اگر شخصی که مورد امر و نهی واقع شده با گشاده رویی امر و نهی را بپذیرد، تعارضی در جامعه ایجاد نمی‌شود. اما این حالت را نمی‌توان همیشه انتظار داشت، در برخی از مواقع با مخالفت، مقاومت و مقابله طرف مقابل روبرو می‌شویم. همین امر ممکن است سبب درگیری و ایجاد بی‌نظمی در جامعه شود. اکثریت علمای شیعه و سنی به خطر بی‌نظمی و هرج و مرج در صورت اجرای این وظیفه به صورت انفرادی و همگانی معترض بوده و هر کدام به شکلی در صدد رفع آن برآمده‌اند. شاید یکی از علل آن که فقیهان غالباً مرحله یدی را به اذن امام معصوم مشروط کرده‌اند (طوسی، ۱۳۷۵ق، ص ۱۵۰؛ غزالی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۰۴)، جلوگیری از همین پیامد منفی باشد.

دیدگاه دوم، وظیفه اختصاصی (جمعی)

در این دیدگاه تکلیف امر به معروف و نهی از منکر تنها به فرد اختصاص ندارد، بلکه

گروهی را شامل می شود که از میان خود امت انتخاب می شوند. معمولاً کسانی که این فریضه را واجب کفایی می دانند، آن را وظیفه گروه خاصی می شمارند. صاحب جواهر که بر اساس سیره مستمر، حکم به عدم وجوب عینی کرده، شاهد آورده که صاحبان قدرت و توان، با این که خود و دیگران مکلف به این فریضه اند، فرد دیگری را که اقدام به امر و نهی کند، می فرستند و به همین مقدار اکتفا می کنند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۳۶۲).

برخی معتقدند این تکلیف مختص عالمان است و عالم عامل باید امر و نهی نماید. انجام این وظیفه برای این گروه خاص واجب عینی است (روحانی، ۱۳۹۱، صص ۸۳ و ۸۹).

برای این دیدگاه دلایلی هم اقامه شده که عبارتند از:

اول، به مقتضای آیات یکی از شروط امر و نهی علم به معروف و منکر است و این شرط تنها در عالمان است.

دوم، حال که همگان بر وجوب کفایی امر و نهی متفق اند و امر به معروف و نهی از منکر به معنای وجوب بر برخی مکلفان است، این «بعض»، همان عالمان اند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۸، صص ۳۱۴-۳۱۵).

این استدلال افزون بر آن که با واقعیت منطبق نیست، زیرا تعداد زیادی از فقیهان وجوب این فریضه را عینی دانسته اند؛ وجوب کفایی بودن این تکلیف نیز موجب نمی شود که تنها وظیفه عالمان باشد زیرا هر فردی می تواند با فراهم کردن شرایط امر به معروف و نهی از منکر، از آن جمله علم به معروف و منکر، اقدام به امر و نهی نماید.

۱-۲- دلایل

۱-۱-۲- آیات قرآن

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران، ۱۰۴)

طرفداران این دیدگاه معتقدند که «من» در آیه برای تبعیض است و این قول را به

اکثر مفسرین نسبت داده اند (قطب راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۵۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۹۶). طبق این دیدگاه، اگر «من»، تبعیضیه باشد با توجه به معنای امت دو معنا از آیه فهمیده می شود که بنابر یکی از آن معانی، دلیل این نظریه و روش خواهد بود. و آن در صورتی است که امت در آیه به معنای «جماعت» باشد. در این صورت آیه به این معناست که از میان شما امت اسلامی، گروهی باید مردم را امر به معروف و نهی از منکر کنند. ولی اگر امت به معنای «فرد جامع خیرات و پیشوا» باشد، آیه شریفه دلیل دیدگاه و روش سوم خواهد بود که در ادامه مقاله خواهد آمد.

بنابراین دیدگاه چون امر به معروف و نهی از منکر عملاً متوجه گروهی به صورت غیرمعین می باشد، هر گروهی که بدان قیام کند، از دیگران ساقط می شود. ولی قبل از قیام عده ای، بر همگان واجب است و اگر آن عده قیام نکنند، همگان مجازات می شوند (قطب راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۵۶). امر به معروف و نهی از منکر از اموری است که اگر برخی از افراد جامعه آن را انجام دهند موضوعاً منتفی است و معنا ندارد که بر افراد دیگر جامعه واجب شود که همان کار را انجام دهند. بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر قائم به بعضی از افراد جامعه است و خطابی هم که در آیات قرآن آمده، اگر مربوط به بعض باشد که بحثی نیست، اما اگر متوجه همه افراد جامعه هم باشد، باز به اعتبار همان بعض است. در این امور، مجازات عدم انجام وظیفه متوجه یکایک افراد جامعه است اما پاداش آن تنها مربوط به کسانی است که امر به معروف و ناهی از منکر بودند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۳۷۳ و ۳۷۴).

۲-۱-۲- روایات

به دو روایت از امام علی (ع) استناد می شود:

یکم، «أَمَّا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ التَّنَمَةَ لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يُقَارُوا عَلَى كِطَّةِ ظَالِمٍ وَلَا سَعَبٍ مَظْلُومٍ لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا...» (نهج البلاغه، خطبه ۳). آگاه باشید سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور فراوان بیعت کنندگان نبود، و یاران حجت را بر من تمام نمی

کردند، و اگر خداوند از علماء عهد و پیمان نگرفته بود که برابر شکم بارگی ستمگران، و گرسنگی مظلومان، سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهایش می ساختم، و از آن صرف نظر می کردم.»

دوم، «أَمَا بَعْدَ فَإِنَّهُ إِتْمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ حَيْثُمَا عَمَلُوا مِنَ الْمَعَاصِي وَ لَمْ يَنْهَهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ عَنْ ذَلِكَ نَزَلَتْ بِهِمُ الْعُقُوبَاتُ ، فَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَاعْلَمُوا أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَنْ يَقْرَبَا أَجْلاً وَ لَنْ يَقْطَعَا رِزْقًا(حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۲۰)؛ کسانی که پیش از شما می زیستند هلاک و نابود شدند؛ زیرا به گناهان عمل می نمودند و عالمان ربانی و نیکان آنان را از این کار باز نمی داشتند، وقتی پیوسته به گناهان عمل کرده، علمای ربانی و نیکان آن ها را نهی نکردند، عقوبت و مجازات شدند. پس امر به معروف و نهی از منکر کنید و بدانید که امر به معروف و نهی از منکر اجل را نزدیک نخواهد کرد و رزق را قطع نخواهد کرد»

بر اساس این دو روایت، فریضه امر به معروف و نهی از منکر تکلیف عالمان امت هاست. اما گذشته از اینکه اثبات فریضه امر به معروف و نهی از منکر بر علما در این دو روایت نافی وظیفه دیگران در این زمینه نیست، بلکه شاید علما در این عرضه وظیفه بیشتری داشته باشند، نمی توان با استناد به دو روایت این تکلیف را به علمای امت اختصاص داد. باید دلایل دیگر را هم ملاحظه کرد و نتیجه گرفت. گذشته از آن، اقدام به امر و نهی یدی و اقدام عملی نیازمند قدرت و امکاناتی است که بیش از آن که در اختیار عالمان باشد، در اختیار حاکمان و دولتمردان است.

۲-۱-۳- دلیل عقلی

نظر برخی این است که امر به معروف و نهی از منکر شرایطی دارد که سبب می شود برخی افراد صلاحیت اعمال آن را داشته باشند و به همین سبب امر به معروف و نهی از منکر از واجبات کفایی است (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۹۴). طبق این استدلال، چون امر به معروف و نهی از منکر شرایطی مانند علم به معروف و منکر، قدرت، احتمال تأثیر

و مانند آن دارد و مهم‌ترین شرط آن همان علم به معروف و منکر هست و این شرط در همه یافت نمی‌شود، بنابراین امر به معروف و نهی از منکر بر همه واجب نبوده و تنها بر عهده عالمان است.

نقد و بررسی

«واجب عینی» در مقابل «واجب کفایی» است. اصولاً بریا اثبات وجوب کفایی یک تکلیف یا باید با ارائه دلایل کافی و معتبر عینی بودن آن را نفی کرد یا مستقیماً کفایی بودن آن را اثبات نمود. در حالی که «واجب مشروط» در برابر «واجب مطلق» است. مشروط بودن یک تکلیف، لزوماً کفایی بودن آن را اثبات نمی‌کند. این که امر به معروف و نهی از منکر مشروط به شرایط مانند علم به معروف و منکر است، نافی عینی بودن این فریضه نیست. می‌تواند عینی باشد، اما مشروط به شرایطی باشد. مانند وجوب نماز که عینی است ولی مشروط به طهارت و شرایط دیگر است، یا نظیر حج که مشروط به استطاعت است، و منافاتی با عینی بودن آن ندارد و انجام حج توسط برخی از مکافان مستطیع، این تکلیف را از دیگران ساقط نمی‌کند، بر خلاف واجب کفایی.

ناگفته نماند که «علم» شرط وجوب نیست؛ زیرا تکلیف واقعی بین عالم و جاهل مشترک است و علم فقط در استحقاق عقاب بر مخالفت با تکلیف شرط است (مظفر، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۱۳۵). در آیه مربوط به امر به معروف و نهی از منکر نمی‌توان تبعیضیه بودن «من» را پذیرفت؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر در جایی است که فرد علم به معروف و منکر و علم به چگونگی اقامه امر داشته باشد و کیفیت مباشرت به معروف را بداند و چه بسا جاهل نهی از معروف کند و یا امر به منکر کند و یا در جایگاهی که باید رویکرد نرم‌خویانه داشت، خشونت به خرج دهد (قطب راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۵۸).

۲-۲- بررسی نقاط قوت و ضعف

برای این روش نیز مانند روش پیشین مزایا و معایبی برشمرده‌اند دو مورد اول، امتیاز و مورد سوم، نقطه ضعف این روش‌اند که نیازمند توجه، دقت و بررسی است.

نداشتن مشکلات روش فردی

یکی از نقاط قوت این روش که عامل به وجود آمدن و رواج این روش در طول تاریخ شده، این است که نقاط ضعف روش فردی در این روش تا اندازه زیادی برطرف می‌گردد؛ زیرا با توجه به تشکیلاتی بودن آن بی‌نظمی و هرج و مرج کمتری ایجاد می‌شود. همچنین، به دلیل وجود تشکیلات در این روش و جذب افراد مستعد و علاقه‌مند، مشکل تخصیص اکثر نیز برطرف می‌گردد (رضایی راد، ۱۳۸۴، صص ۹۵-۹۶).

این سخن گرچه به صورت کلی صحیح است، اما گاهی ورود سازمان یافته به این عرصه‌ها، موجب محدودیت در آزادی‌های اجتماعی و سیاسی افراد جامعه می‌شود. زیرا به خاطر برخورداری از ابزارها و اهرم‌های قدرت می‌توانند به نام امر به معروف و نهی از منکر اهداف خود را پیگیری کنند.

پاسخگویی

اگر امر به معروف و نهی از منکر توسط سازمان مشخصی انجام شود، این سازمان می‌تواند مورد بازخواست قرار گیرد و پاسخگوی خطاهای خود باشد. این امر سبب می‌شود که سازمان وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهد، در حالی که در روش فردی نمی‌توان هر کسی را بازخواست کرد و ممکن است هر فردی با سوء استفاده از عنوان امر به معروف به هر عمل زشتی دست بزند و به دنبال منافع شخصی خود باشد (همان مدرک، صص ۹۶-۹۷).

تداخل با کار دولت

ممکن است وظیفه‌ای که حکومت در امر به معروف و نهی از منکر دارد با وظیفه سازمان امر به معروف و نهی از منکر تداخل کند. به این صورت اگر چهارچوب وظایف هر یک مشخص نباشد و هر کدام متصدی یک وظیفه مشترک باشد، تداخل کاری و بی‌نظمی ایجاد می‌شود که هم به هرج و مرج و هم به اختلال نظام منجر می‌گردد. اهمیت این مطلب زمانی روشن‌تر می‌شود که خود دولت مرتکب کار منکری شود که

در آن صورت دولتمردان خطاکار برای حفظ موقعیت خود به مبارزه با سازمان معروف می‌پردازند و در صدد حذف یا مقابله با آن بر می‌آیند، همان طور که همین برخورد از سوی اعضای سازمان امر به معروف در مقابل دولتمردان نیز محتمل است (همان مدرک، صص ۹۸-۹۹).

دیدگاه سوم، وظیفه‌ای حکومتی

این وظیفه بر عهده حکومت است که اداره و حاکمیت جامعه را بر عهده دارد، همانند وجوب تأمین امنیت شهروندان. امر به معروف و نهی از منکر وظیفه گروه خاصی است که در جایگاه رهبر جامعه قرار می‌گیرند. در غیر این صورت امر و نهی مردم در این مورد سبب هرج و مرج می‌شود (روحانی، ۱۳۹۱، ص ۸۴). انکار قلبی و زبانی - در احکام واضح و ضروری - از مواردی است که هر مسلمان توان انجام آن را دارد، اما در مرتبه عملی، ضرب و جرح، حتی ارشاد با زبان در برخی از موارد مهم از اموری است که هر کس توانایی انجام آن را ندارد و شاید زیان‌آور نیز باشد، که در این صورت انجام آن به عهده حاکم و کارگزاران اوست. البته بر مردم نیز واجب است برای تشکیل حکومت مشروع اسلامی و برپایی امر و نهی در جامعه حکومت را یاری دهند (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۵۲).

برخی از علمای اهل سنت هم معتقدند که امر و نهی وظیفه سلطانی است که اختیار امور در دست اوست. او این قول را به ضحاک و سهل بن عبدالله نیز نسبت می‌دهد. سهل بن عبدالله علاوه بر سلطان، عالمان را نیز اضافه می‌کند و بیان می‌دارد که مردم نمی‌توانند سلطان را مورد امر و نهی قرار دهند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۴۷ و ج ۱۲، ص ۷۳).

۳-۱-۱- دلایل

۳-۱-۱-۱- آیات قرآن

«الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَقِيبَةُ الْأُمُورِ، همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و پایان همه

کارها از آن خداست» (حج، ۴۱)

امر به معروف و نهی از منکر، به قدرت نیاز دارد و پس از ایجاد قدرت، اولین ثمره‌ی حکومت صالحان، نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۵۱). از بارزترین مصادیق استطاعت، حاکمیت است و هر کسی که دارای این قدرت است واجب است که در زمینه امر به معروف و نهی از منکر نیز اقدام نماید.

۲-۱-۳- روایت مسعده بن صدقه

قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ: «وَسُئِلَ عَنِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْاجِبٌ هُوَ عَلَى الْأُمَّةِ جَمِيعًا؟ فَقَالَ: لَا، فَقِيلَ: وَ لِمَ؟ قَالَ: إِنَّمَا هُوَ عَلَى الْقَوِيِّ الْمُطَاعِ الْعَالِمِ بِالْمَعْرُوفِ مِنَ الْمُنْكَرِ، لَا عَلَى الضَّعِيفَةِ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا... وَالذَّلِيلُ عَلَى ذَلِكَ كِتَابُ اللَّهِ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: وَ لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَهَذَا خَاصٌّ غَيْرُ عَامٍّ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: وَ مِنْ قَوْمٍ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعدِلُونَ وَ لَمْ يَقُلْ عَلَى أُمَّةٍ مُوسَى وَ لَا عَلَى كُلِّ قَوْمٍ وَ هُمْ يَوْمِئِذٍ أُمَّمٌ مُخْتَلِفَةٌ (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، صص ۱۷۷-۱۷۸)

از امام صادق (ع) شنیدم در حالی که از او سوال شد: آیا امر به معروف و نهی از منکر بر همه امت واجب است؟ فرمود: خیر. سوال شد چرا؟ فرمودند: بر کسی که توان دارد و سخن او پیروی می شود و معروف را از منکر می شناسد، نه بر ضعیفی که راه را نمی داند که به چه راهی و از چه راهی بگوید... دلیل آن نیز کلام خداوند در این آیه است: «ولتكن منكم امة...» این خاص است نه عام؛ همان طور که خداوند می فرماید: «و من قوم موسى...» فرمود بر امت موسی و نه بر همه قومش؛ در حالی که آن ها در آن هنگام گروه های گوناگونی بودند...».

روایت دلالت می کند بر مسئولیت گروهی خاص و قدرتمند در زمینه امر به معروف و نهی از منکر. امام این فریضه را از شخص ناتوانی که نه توان دارد و نه دانش و معرفت، نفی می کند. حکومت از بارزترین مصادیق تعبیر «قوی مطاع» در روایت است.

۳-۱-۳- عقل

عقل حکم می کند انسان وارد عرصه ای نشود که قدرت و ابزار و امکانات لازم آن را ندارد. سپردن مرتبه یدی نهی از منکر به عموم مردم که توان، ابزار و امکانات کافی برای برخورد را ندارند، مخالف عقل است. عقل حکم می کند تکلیف باید متناسب با توان و اختیار کافی و متناسب باشد. افزون بر آن که دخالت عموم مردم در این عرصه به هرج و مرج و اختلال نظام اجتماعی منجر می شود. نهادی که متناسب با این مرتبه از نهی از منکر بوده و پیامد منفی دو روش پیشین یعنی هرج و مرج و اختلال نظام اجتماعی را ندارد، حکومت است.

۳-۱-۴- سیره عقلا

می توان برای حکومتی بودن مرتبه یدی نهی از منکر به سیره عقلا هم استناد کرد. معمولاً برای جلوگیری عملی از تخلفات اجتماعی و قانون شکنی در جوامع مختلف، نهادهای حکومتی وارد می شوند. مردم عادی نه توان مقابله با تخلفات را دارند، و نه ابزار لازم؛ حکومت است که می تواند با ابزار قدرت مانع قانون شکنی شده و مرتبه یدی نهی از منکر را نسبت به این افراد به اجرا گذارد.

۳-۲- نقاط قوت و ضعف

برای این روش نیز نقاط قوت و ضعفی شمرده شده که به توضیح، نقد و بررسی آنها می پردازیم.

داشتن امکانات کافی

ایفای وظیفه امر به معروف و نهی از منکر خصوصاً مرحله یدی نیازمند اطلاعات و امکانات و افراد بسیاری است و بدون تشکیلات قوی میسر نیست. در روش حکومتی بیشترین امکانات و افراد فراهم هست. بنابراین این روش برای تحقق بخشیدن به اهداف این وظیفه بزرگ بر دیگر روش ها برتری دارد (رضایی راد، ۱۳۸۴، ص ۱۴۷).

تناسب با ماهیت تکلیف امر به معروف و نهی از منکر

این که امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای فردی، جمعی و یا حکومتی است اختلاف نظر وجود دارد، اما در هر صورت نمی‌توانیم منکر ماهیت سیاسی و اجتماعی این وظیفه شده و بگوییم: این وظیفه بزرگ بر عهده افراد عادی است و حکومت هیچ وظیفه ای ندارد. پس حتی اگر این وظیفه، وظیفه ای فردی یا جمعی باشد، به دلیل ماهیت اجتماعی و سیاسی آن بدون حمایت حکومت به اهدافش نمی‌رسد. از نقاط قوت روش دولتی آن است که با ماهیت این اصل سازگار می‌باشد (همان، صص ۱۴۴-۱۴۵).

نامحدود بودن اختیارات

از جمله نقاط ضعف این روش آن است که وظایف و اختیارات مأموران حکومت گسترده و نامحدود است. ریشه گستردگی وظایف از سویی در گستردگی مصادیق معروف و منکر و از سوی دیگر، در نامشخص بودن دایره شمول این وظیفه است (همان، صص ۱۵۱-۱۵۲).

نقض حقوق و آزادی‌های اجتماعی

نقطه ضعف دیگری که در این روش به نظر می‌رسد آن است که حکومت با ابزارهای قانونی که در اختیار دارد، به بهانه امر به معروف و نهی از منکر آزادی‌های اجتماعی و سیاسی شهروندان را نقض نماید. تمرکز قدرت در دولت و سلب اختیار از عموم مردم، به طور کلی و در هر شرایطی، بسا موجبات انحرا فدولت را فراهم سازد. از این رو امر به معروف و نهی از منکر تکلیفی همگانی است، امر و نهی مردم نسبت به یکدیگر، امر و نهی دولت توسط مردم و امر و نهی مردم توسط دولت، که در اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم درج شده است. در این باره در ادامه مقاله توضیح داده خواهد شد.

دیدگاه چهارم، نظریه مختار

اکنون نوبت داوری و انتخاب یکی از دیدگاه‌های سه‌گانه فوق و اتخاذ روشی است

که در راستای امر و نهی عملی می‌توان در پیش گرفت. پرسشی که در این راستا مطرح است این‌که، در انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر، کدامیک از این دیدگاه‌ها و روش‌های سه‌گانه از قرآن و روایات استفاده می‌شود؟

برخی از آیات قرآن و روایات ظهور در دیدگاه اول و برخی ظهور در دیدگاه دوم یا سوم دارد. مثلاً در آیات قرآن، اگر «من» در آیه «ولتکن منکم امّه...» (آل عمران، ۱۰۴) بیانیه باشد، دیدگاه اول از آن استفاده می‌شود و اگر تبعیضیه باشد، دیدگاه دوم یا سوم. متقابلاً از آیه «کنتم خیر امه للناس...» (آل عمران، ۱۱۰) استفاده می‌شود که این فریضه تکلیفی همگانی است، یعنی دیدگاه اول.

بدین ترتیب در ظاهر میان آیات قرآن تعارضی به نظر می‌رسد. آیه اول مومنین را مورد خطاب قرار داده، می‌فرماید: از میان آن‌ها گروهی انجام این وظیفه را بر عهده بگیرند یعنی فریضه امر و نهی وظیفه بر عهده گروه خاصی است که از میان مسلمانان انتخاب می‌شوند مانند اجتهاد در دین که وظیفه برخی مسلمانان است، «فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقوهوا فی الدین...» (توبه، ۱۰۹)؛ در حالی که این فریضه در آیه دوم به همه امت اسلامی نسبت داده شده است، نه فقط گروهی خاص «کنتم خیر امه».

برای برطرف کردن این تعارض ظاهری راه‌حلی‌هایی ارائه شده که اینک به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

راه حل اول:

همه مؤمنان در تشکیل گروهی که عهده‌دار امر به معروف و نهی از منکر خواهند بود مشارکت نموده و بر اعمال آنان نظارت می‌کنند. به این ترتیب، همه امت در امر به معروف و نهی از منکر نقش دارند و بین آیات هماهنگی ایجاد می‌شود (رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۶؛ منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۲۷).

نقد و بررسی

نقدی که به این راه حل وارد می‌شود آن است که اگر امت در تشکیل گروه امر به

معروف و نهی از منکر مشارکت کنند، پس از تشکیل گروه، تکلیف از آنان ساقط می شود و بر هیچ یک از افراد امت واجب نخواهد بود، حتی اگر شرایط امر و نهی را هم داشته باشند. این برداشت از آیات، با نتیجه فقهی حاکم برفقه اسلامی سازگار نمی باشد (حب الله، ۱۴۳۲ق، ص ۴۸).

راه حل دوم:

نشانه های این راهکار و استنباط را در تفسیر ثعالبی می بینیم. بر اساس یک برداشت از آیات قرآن، آیه اول (کنتم خیرامه)، ناظر به وظیفه جهانی امت اسلامی است، به این معنا که مسلمانان نسبت به غیرمسلمانان به انجام این وظیفه اهتمام می ورزند، در حالی که منظور از آیات دیگر اهتمام آنان به انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر در داخل جامعه اسلامی است (ثعالبی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۰۸۸).

نقد و بررسی

گرچه به حسب ظاهر در آیه اول امت اسلامی با سایر امتها مقایسه شده و از آنان به خاطر اهتمام به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان بهترین امت یاد شده، اما هیچ قرینه ای وجود ندارد که آیه شریفه اختصاص به امر و نهی مسلمانان نسبت به رفتار غیرمسلمانان داشته باشد. بخصوص اگر مقصود از معروف، «واجبات» و مراد از منکر، «محرمات» باشد، چنان که تعدادی از عالمان مسلمان قائلند؛ زیرا غیرمسلمانان هر چند ملکف به فروع اند اما ابتدا باید اسلام را بپذیرند تا بتوانند واجبات و محرمات را انجام دهند. از این رو، امر آنان به واجبات و نهی آنان از محرمات قبل از دعوت آنان به اسلام توجیهی ندارد. از این رو، پذیرش این راه حل برای رفع تعارض ظاهری میان آیات دشوار است.

راه حل سوم:

برخی از مفسران معاصر بر این باورند که دقت در مجموعه آیات دو مرحله ای بودن امر به معروف و نهی از منکر را اثبات می کند. ابتدا مرحله فردی که وظیفه عموم مردم

محسوب می‌شود و دوم، مرحله گروهی که به عهده امت بوده و واجب کفایی است. البته در این دیدگاه این مرحله از شئون حکومت اسلامی محسوب می‌شود و مسئله تقسیم کار در حکومت اسلامی و لزوم تشکیل گروه نظارت بر وضع اجتماعی را مشخص می‌سازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، صص ۳۵-۳۶). بدین بیان که آیه «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» از مرحله قلب و زبان سخن می‌گوید، در حالی که آیه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» مربوط به مرحله یدی و عملی این فریضه است. شاید به همین دلیل آیه اول ناظر به جنبه فردی و آیه دوم به خاطر آن که بر عهده گروه معینی نهاده شده، ناظر به جنبه و مرحله یدی و عملی است که نیازمند قدرت و توان است و این گروه همان حکومت و نهادهای حکومتی است (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۶ق، ج ۱۰، ص ۲۰۷).

نقد و بررسی

در این راه حل دلیل محکمی بر حمل هر یک از آیات فوق بر مرتبه‌ای از مراتب امر به معروف و نهی از منکر مشاهده نمی‌شود. بخصوص حمل آیه دوم بر امر و نهی یدی با توجه به جمله «یدعون الی الخیر» و عطف «یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» بر آن بعید می‌نماید. افزون بر آن، لازمه این تحلیل آن است که کارگزاران حکومتی در دو مرتبه نخست این فریضه یعنی امر و نهی قلبی و زبانی تکلیفی نداشته باشند.

راه حل چهارم

میان آیات ناهماهنگی وجود ندارد. آیه «کنتم خیر امه» از جمله آیات عمومی است که التزام عملی به فریضه امر به معروف و نهی از منکر را از ویژگی‌های امت اسلامی می‌شمارد. هنگامی که احاد مردم، به صورت فردی یا گروهی، و نیز دولتمردان این فریضه را عملی کنند، بهترین امت خواهند بود، چنان که در صدر اسلام چنین بودند که قرآن توصیف می‌کند. اینکه برخی از فقیهان تصریح کرده‌اند که امر و نهی بر عالم و غیرعالم (به معنای مصطلح آن)، سلطان و عامه مردم، عادل و فاسق، و ثروتمند و فقیر واجب است، گویای فراگیر بودن این فریضه الهی است (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۵۲؛

سیستانی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، صص ۴۱۹-۴۲۰؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، صص ۳۹۵).
اصولا این آیه نظر به چگونگی اجرای امر به معروف و نهی از منکر ندارد و گویای این
معنا نیست که همه مردم وظیفه دارند با ورود به همه مراتب (قلبی، زبانی و عملی)،
اقدام به امر و نهی کنند.

در حالی که آیه «ولتکن منکم» اصولا در فضای دیگری است. در مقام بیان چگونگی
اجرای این فریضه است. بنابر تبیضیه بودن «من»، گروه معین و مشخصی از مسلمانان
باید عهده دار انجام آن شوند. به این معنا که گروهی آموزشی دیده و آشنا به شرایط و
ظرایف این فریضه حیاتی در مراتب گوناگون، عهده دار انجام آن شوند. چه بسا لازم باشد
برخی از مراتب آن مثل مرتبه عملی که با الزام و اجبار تلازم دارد، بر عهده حکومت یا
نهادی مردمی باشد که مورد حمایت حکومت قرار می‌گیرد، و ابزارهای قانونی و اجرایی
لازم را برای آن در اختیار دارد.

نتیجه آن که در منطق قرآن احساس مسئولیت نسبت به رواج نیکی‌ها و جلوگیری از
منکرات، افزون بر آن که باید همگانی و فراگیر باشد، برای دستیابی به نتیجه لازم است
«نظارت همگانی» و «نظارت گروه و نهادی خاص با مسئولیت ویژه» در کنار یکدیگر
باشد. این که یکی از وظایف حکومت مرتبه عملی امر به معروف و نهی از منکر باشد
منافاتی با دو وظیفه دیگر یعنی امر و نهی قلبی و لسانی ندارد؛ حتی در کنار هم بودن
این سه شیوه سبب می‌شود که در سطح گسترده‌تری بتوان به هدف این فریضه دست
یافت. مقابله با برخی منکرات و مرتکبان آن تنها با نهی قلبی و زبانی، به صورت فردی
یا جمعی، میسر بوده و اصلا نیازی به استفاده از ابزارهای دیگر نیست. اما برخی از
منکرات و مرتکبان آن نیازمند استفاده از ابزارهای قدرت‌اند و نمی‌توان با امر و نهی قلبی
و زبانی با آن‌ها روبرو شد. پس اصلا تعارضی میان دو آیه قرآن وجود ندارد و چگونگی
اجرای این فریضه و تقسیم مسئولیت در این زمینه کاملا بر منطق عقلی و عقلایی مبتنی
است تا بتوان به نتیجه بهتری رسید.

جمع بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله درباره چگونگی اجرای مرحله یدی در امر به معروف و نهی از منکر بحث کردیم. اجرای مرحله یدی به سه صورت امکان پذیر است. اول آن که یکایک افراد همه مراحل امر و نهی، از جمله مرحله یدی را انجام دهند. این وظیفه همگانی، از آیات و روایات قابل استنباط است و با سیاق اکثر ادله متناسب می باشد. اما این روش نقاط ضعفی نیز دارد که مهم ترین آن هرج و مرج در جامعه است. دومین روش آن است که گروهی سازمان یافته امر و نهی را انجام دهند. این روش نیز از طریق آیات، روایات و عقل قابل اثبات است. نقطه قوت این روش این است که مشکلات روش فردی را ندارد. اما اشکال مهم آن این است که عملکرد این گروه سازمان یافته با اختیارات و وظایف حکومت تداخل پیدا می کند و نمی تواند به نحو مطلوب مرحله یدی را اعمال نماید. روش سوم آن است که حکومت وارد عمل شود و مرحله یدی را اجرا کند. این روش نیز همانند دو روش قبل قابل اثبات با ادله است. اگر حکومت مرحله یدی را اجرا کند نه تنها سبب هرج و مرج و اختلال نظام نمی گردد، بلکه امر به معروف و نهی از منکر به نحو صحیح در جامعه اعمال می شود. به ویژه اگر اختیارات حکومت در این عرصه، با چارچوب قانون مشخص شود، حکومت و کارگزاران حکومتی نمی توانند از آن فراتر روند.

به نظر می رسد هر یک از روش های سه گانه فوق بتواند بر مستندات نقلی تکیه کند، اما از مجموع دلایل نقلی، عقلی و عقلایی می توان به این نتیجه رسید که اصل اولی آن است که انجام مرحله یدی و عملی امر به معروف و نهی از منکر برعهده حکومت باشد، زیرا هم ابزارها و ضمانت های اجرایی کافی برای رواج نیکی ها و جلوگیری از گسترش منکرات در اختیار دارد؛ و هم بی نظمی، هرج و مرج و اختلال نظام اجتماعی پیش نمی آید، مشروط بر آن که انجام این مرحله در چارچوب های قانونی مشخص و توسط افراد و نهادهای آموزش دیده و آشنا به ظرایف این فریضه مهم الهی باشد. بدیهی است این راهکار در فرض حاکمیت دولت مشروع و ملتزم به موازین دینی و اخلاقی است؛ ولی در فرض برقراری حکومت نامشروع یا تبدیل حکومت مشروع به منکری بزرگ که نه تنها التزامی به موازین دینی و اخلاقی ندارد، بلکه خود مصداق منکری بزرگ گردد،

مسئله کاملاً دگرگون شده و حکم متفاوتی خواهد داشت. در این فرض، خلع ید از عموم مردم و سپردن مرحله عملی امر به معروف و نهی از منکر به حکومت، نامعقول و انحراف از موازین دینی است.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. امیری تنکابنی، علی اصغر (۱۳۷۸) امر و ناهی کیست و برای چیست. قم: بی نا.
۲. ثعالبی، عبدالرحمن (۱۴۱۸ق). تفسیر الثعالبی المسمی بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). تفسیر تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء.
۴. حب الله، حیدر (۱۴۳۲ق). فقه الامر بالمعروف و النهی عن المنکر. بی جا: دار الفقه الإسلامی المعاصر.
۵. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۶. حلّی (علامه)، حسن بن یوسف مطهر (۱۴۱۱ق). تبصره المتعلمین فی احکام الدین، تصحیح محمد هادی یوسفی غروی، تهران: مؤسسه طبع و نشر.
۷. حلّی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان، قم.
۸. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). منهج الصالحین. قم: نشر مدینه العلم.
۹. رضا، محمد رشید (۱۴۱۴ق). تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار. بیروت: دار المعرفة.

۱۰. رضایی راد، عبدالحسین (۱۳۸۴). امر به معروف در ترازوی تاریخ. قم: بوستان کتاب.
۱۱. روحانی، محمد صادق (۱۳۹۱). امر به معروف و نهی از منکر. قم: مهر امیر المؤمنین (ع).
۱۲. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دارالکتاب العربی.
۱۳. سیستانی، سید علی (۱۴۱۷ق). منهاج الصالحین. قم: دفتر حضرت آیه الله سیستانی.
۱۴. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. لبنان: موسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن (بی تا). ترجمه تفسیر جوامع الجامع. حسین نوری همدانی، تهران: فراهانی.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن (بی تا). ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن. حسین نوری همدانی، تهران: فراهانی.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق). تفسیر جوامع الجامع. قم: حوزه علمیه قم.
۱۸. طرابلسی، ابن براج (۱۴۰۶ق). المهذب. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۰. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۷۵ق). الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد. تهران: انتشارات کتابخانه جامع چهل ستون.
۲۱. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحكام. تهران: دارالکتب

الإسلامية .

۲۲. عراقی، شیخ ضیاء الدین (۱۴۱۳ق). شرح تبصره المتعلمین، تحقیق شیخ محمد حسون، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

۲۳. غزالی، محمد (۱۳۸۰ق). کیمیای سعادت. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۲۴. فخر رازی، محمد (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۲۵. فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹ق). تفسیر من وحی القرآن. بیروت: دار الملائک.

۲۶. قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور. تهران مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

۲۷. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن. تهران: ناصر خسرو.

۲۸. قطب راوندی، سعید (۱۴۰۵ق). فقه القرآن. قم: کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی نجفی.

۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸ش). مجموعه آثار، چ ۲۲، تهران: انتشارات صدرا.

۳۰. مظفر، محمد رضا (۱۴۳۰ق). أصول الفقه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

۳۱. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). اوائل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

۳۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۳۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۶ق). نفحات القرآن. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).

۳۴. منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹ق). دراسات فی ولاية الفقيه و فقه الدولة الإسلامية. قم: نشر تفکر.

۳۵. منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹ق). مبانی فقهی حکومت اسلامی. محمود صلواتی، قم: مؤسسه کیهان.
۳۶. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۷. نوری همدانی، حسین (۱۳۷۷). امر به معروف و نهی از منکر. محمد محمدی اشتهاردی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۸. وحید خراسانی، حسین (۱۴۲۸ق). منهاج الصالحین. قم: مدرسه امام باقر (ع).
۳۹. ورعی، سید جواد (۱۳۹۴). مبانی فقهی امر به معروف و نهی از منکر. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.